

هستی و آگاهی و چند نوشته دیگر

کارل مارکس

گزینش و ترجمه:

امیر هوشنگ افتخاری راد

و

محمد قائدی



انتشارات ناهید

تهران
www.nahid.com
info@nahid.com

فهرست

۷ یادداشت مترجم بر چاپ دوم

بخش اول
مفهوم ماتریالیستی تاریخ ۱۱
هستی و آگاهی ۳۵
سرمایه‌داری و از خودبیگانگی بشر ۷۱

بخش دوم
در باب اقتصاد سیاسی ۹۳

یادداشت

پس از چند دهه ترک‌تازی «سیاست عقیم» و نظریه‌های فلسفی به اصطلاح «بی‌طرف» و اعلام پایان تاریخ، اکنون از نو اقبالی به خوانش آثار مارکس شکل گرفته است. محققان آکادمیک از زوایای مختلف آرای فلسفی و اقتصادی او را مورد بررسی قرار داده‌اند و سال به سال به کتابخانه مارکس افزوده می‌شود، طوری که امروزه از مارکس جدید سخن به میان می‌آید. هرچند که گویی این مارکس فرهنگی در دوره پسا سیاسی - به قول اسلاوی ژیتک - قهوه بدون کافئین است. مارکس، شاعر کالاها، همان که توصیف کاملی از دینامیک کاپیتالیسم ارائه داد. مارکس مطالعات فرهنگی که بیگانگی زندگی روزمره را ترسیم کرد؛ این مارکس، آری! حتی در وال‌استریت مقبول است اما مارکس سیاسی هرگز! البته در کنار ترویج این مارکس آکادمیک، سعی می‌شود با نظری انتقادی، که از میراث خود اوست، بعضی از مفاهیم ارائه شده او احیا گردد. این در حالی صورت می‌گیرد که عوارض سیاست‌های تجاری نئولیبرالی در آمریکای جنوبی ظهور کرده است: انباشت فقط ناشی از سرمایه‌داری فربه، باعث شده است در کشورهای توسعه نیافته، به ویژه خاورمیانه، بنیادگرایی شکل بگیرد. همچنین، شاهد بوده‌ایم در طی چند دهه اخیر، محققان متناسب با

مفهوم ماتریالیستی تاریخ

۱

من با ملاحظات و بررسی‌هایی که انجام داده‌ام، به این نتیجه رسیدم که مناسبات حقوقی و همچنین اشکال دولت را نه می‌توان به تنهایی درک کرد و نه با به اصطلاح تکامل عام ذهن بشر تبیین کرد بلکه این مناسبات در شرایط مادی زندگی ریشه دارند، که هگل بنا به رسم نویسندگان انگلیسی و فرانسوی قرن هجدهم تحت عنوان «جامعه مدنی» آن‌ها را جمع‌بندی کرد [و بالأخره] این‌که تجزیه و تحلیل جامعه مدنی را باید در اقتصاد سیاسی جست‌وجو کرد. مطالعه و بررسی این نکته آخر را در پاریس آغاز کردم و در بروکسل به دلیل حکم اخراجی که ام‌گیزو^۱ صادر کرده بود، به آن‌جا مهاجرت کردم، ادامه دادم. نتیجه کلی که به آن دست یافتم و از آن به عنوان رشته راهنمایی در تحقیقاتم استفاده کردم، شاید به طور خلاصه چنین قابل صورت‌بندی باشد: انسان در تولید اجتماعی به مناسبات معینی پا می‌گذارد که امری ضروری و مستقل از اراده‌اش هستند؛ این مناسبات تولیدی متناسب با دوره‌ای معین از تکامل قدرت مادی تولیدند. کلیت این مناسبات تولیدی، ساختار اقتصادی جامعه را شکل می‌دهد،